

# از یاد رفته‌ها

بخش آخر

نگاهی به «دنیای شجاع نو»  
و «خوانش‌نیما»

از سیروس نیرو

محمد مفتاحی

۱۵. در نخستین ساعت شب (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۵۰۱)

نکته‌ی این شعر در بخش زیر است:

دیرگاهی هست می‌خوانم

در بطون عالم اعداد بمیر

دردل تاریکی بیمار

نیرو سطر «در بطون عالم...» را الحاقی می‌داند و امکان می‌دهد که از ادیب الممالک فراهانی باشد اما تأکید می‌کند که از نیما نیست و با توجه به سبک کار نیما و عدم استفاده‌ی وی از لغات صقیل و جملات نامفهوم درست به نظر می‌رسد.

۱۶. برفراز دشت (مجموعه اشعار صفحه ۴۵۸)

این شعر چنین آغاز می‌شود:

برفراز دشت باران است باران عجیبی

ریزش باران، سر آن دارد که از هر سوی و ز هر جا

که خزنده، که جهنده از ره آوردش به دل یابد نصیبی

باد لیکن این نمی‌خواهد.

نیرو درباری‌ی این شعر یادآور می‌شود که سطر سوم با قافیه‌ی «نصیبی» باید به جای سطر چهارم بیاید چون قافیه‌ی پایان‌بند است و باید سطر اول و چهارم هم قافیه باشند که پذیرفتنی است.

۱۷. وقار پهلوانی (مجموعه اشعار صفحه‌ی)

اسم شورا فکن یکی گردنده است این اسم  
در زمین نه برفراز آسمان نه، در همه جا

در میان این زمین و آسمان

کز پی گم گشته‌ی خود می‌شتابد

درباره‌ی این شعر پیشنهاد نیرو این است که سطر دوم برداشته شود تا شعر معنای منطقی پیدا کند، باید گفت که شعر با این سطر هم معنای منطقی دارد اما همراه با اطناب و زیاده‌گویی‌های بی‌مورد پس حذف آن جایز است.

۱۸. همسایگان آتش (مجموعه اشعار

صفحه‌ی ۲۸۵)

در این شعر می‌خوانیم:

در زیر شاخه‌های پر از میوه

زالی نشسته برگ و نوا جمله ساخته

روی فلک ز آتش تند است تابناک!

در سطر اول نیرو به جای «میوه»

میوه‌های پاک یا تاک را پیشنهاد

کرده که هم وزن شعر را به قاعده

می‌کند و هم پایان‌بندی شعر نیما را.



۱۹. بخوان ای همسفر با من (مجموعه

اشعار صفحه‌ی ۴۰۲)

که بر آن چنگ تار از پوست مرغ

طرب بسته است

تار از پوست مرغ طرب بستن بی معنی

به نظر می‌رسد. چگونه می‌توان از

پوست پرندگان سیمی برای چنگ

ساخت؟ پس طبق پیشنهاد نیرو باید

این سطر را این گونه اصلاح کرد:

که بر آن چنگ تار و بود از مرغ طرب بسته است

۲۰. خروس می‌خواند (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۴۲۰)

می‌گریزد نهان شبکور  
برای این مورد هم توسط نیرو توضیحی آورده شده و این تغییر ضروری به نظر نمی‌رسد

۲۱. روی جدارهای شکسته (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۴۳۲)

در چشم‌ها که از مه‌های آفتاب  
جایگزین کردن کلمه‌ی «مد» به جای «مه» از طرف سیروس نیرو پیشنهاد شده است  
کاملاً مناسب به نظر می‌رسد. دیگر این که در سطر زیر:  
در دشت‌های خامش بنیاد  
«بنیاد» معنای شعر را دچار مشکل می‌کند. سیروس نیرو برای حل این مشکل «بیداد» را  
پیشنهاد می‌کند.

۲۲. خواب زمستانی (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۲۹۵)

درباره‌ی این شعر و شعر بعد؛ یعنی «آهنگر» نیرو معتقد است که گاهی در شعرها  
جمله‌های معترضه‌ای داخل پراونتز آمده است که جز اطناب و تکرار بی‌دلیل نیست و با  
یقین می‌توان گفت زاید هستند چرا که نبود آن‌ها لطمه‌ای به شعر نمی‌زند:  
خواب می‌بیند (چه خواب دلگرای او)  
آن گونه که در این سطر پیداست خواب دلگرا توصیفی از خواب است و وضعیت آن را  
برای خواننده مشخص می‌کند در این مورد خاص نمی‌توان این توصیف را حذف کرد و  
آن را توضیحی بی‌مورد دانست.

۲۳. آهنگر (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۵۰۱)

به سطر زیر بنگرید:  
می‌گدازد (آن آهنگر)  
عبارت آن آهنگر که داخل پراونتز آمده است یک توضیح تکراری و غیرضروری است  
و طبق نظر نیرو می‌توان آن را الحاقی دانست و از شعر حذف کرد.

۲۴. من لبخند (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۲۹۷)

اشکالی که نیرو بر این شعر وارد می‌داند در سطر زیر است:  
و نگاه بی‌هدفان بر سریر سنگ‌های چرک سوده است

در این باره قبلاً بحث کردیم چرا که یک بار هم در کتاب «خوانش شعر نیما» این مورد  
آورده شده و تنها شعر تکراری است که نیرو در دو کتاب خود بررسی کرده است.

۲۵. لکه‌دار صبح (مجموعه اشعار صفحه‌ی ۲۹۹)

در قسمت پایانی این شعر این عبارت را داریم:  
رنگ گلگون تر

که بنا به نظر سیروس نیرو «رنگ گلگون سحر» باید باشد و منطقی به نظر می‌رسد زیرا آوردن صفت گلگون موقعی جایز است که قصد مقایسه‌اش به صفت دیگری را داشته باشیم.

در پایان این بررسی باید به چند نکته اشاره کرد: نخست این که تصحیح اشعار نیما به شکلی که نیرو انجام داد، کاری نو و مفید است.

یکی از مهمترین مشکلات ما در شعر و ادبیات مان نبود نگاه منتقدانه و پذیرفتن بی‌چون و چرای هر اثری که منتشر می‌شود است. به یاد داریم که استادان ارجمندی چون دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر محمد جعفر محبوب و...

همواره از این شکایت داشتند که نباید بعد از گذشت سالیان طولانی از چاپ آثارشان هنوز همان آثار با همان شکل اولیه در دانشگاه‌ها تدریس شوند بلکه باید مورد نقد و ویرایش قرار گیرند و مکملی بر آن‌ها نوشته شود و این کار نیرو می‌تواند آغازی باشد بر انجام پژوهش‌های مفید در عالم ادبیات دیگر این که باید امیدوار بود بعد از این پژوهش افراد دیگری با غور در آثار نیما مشکلات دیگر اعم از اشکالات راه یافته به اشعار او و همچنین وجود نقطه‌چین‌های موجود در اشعارش که دلیل بر ناخوانا بودن دست خط وی و... است را حل کنند و نکته‌ی آخر این که نیرو در کتاب‌های خود به شرح مختصری از روش‌های سرایش شعر از نظر نیما پرداخته است.

امید است که با بررسی این روش‌ها بار دیگر و با نگاه عمیق‌تری به دست آورده‌های نیما پرداخته شود زیرا نیما شاعری است که با وجود ظرفیت‌های تازه‌ای که به شعر فارسی بخشیده است تنها نامی از او باقی مانده و جامعه ادبی هرگز به اعماق اندیشه‌های او راه نیافته است و شعر معاصر هیچ‌گاه در مسیر اندیشه‌های نیما در زمینه‌ی شعر راه نیپیموده است.